



تقابل علمای شافعی با ابن تیمیه

رسول خورسند*

چکیده

در قرن هشتم هجری، ظهور ابن تیمیه با دیدگاه‌های جدیدی که برخلاف دستورات اسلام و سیره مسلمانان بودند، باعث شد علمای جهان اسلام به‌پا خاسته تا از گسترش این تفکرات جلوگیری کنند. از جمله این علما، علمای بزرگ و صاحب‌نظر شافعی‌مذهب هستند که از زمان حیات ابن تیمیه تاکنون، علیه او موضع گرفته‌اند. آنان با استفاده از ابزارهایی از قبیل مناظره، تألیف کتاب، و نیز ردیه‌نویسی در بعضی موضوعات خاص مانند شدّ رحال، توسل و همچنین استغاثه به پیامبر ﷺ، به معرفی انحرافات فکری و شخصیتی ابن تیمیه اقدام نموده و به مقابله با وی پرداخته‌اند. **کلیدواژه‌ها:** ابن تیمیه، علمای شافعی، تقابل، شدّ رحال، توسل.

مقدمه

با بررسی تاریخ اسلام روشن می‌شود که در دوران مختلف، افرادی با دیدگاه‌ها و عقاید انحرافی وجود داشته‌اند که برای ترویج تفکرات خود تلاش می‌کردند و علمای اسلام نیز از پیش قراولان مبارزه با این انحرافات بوده‌اند. از جمله این افراد منحرف، فردی است به نام ابن تیمیه. وی دارای تفکراتی افراطی و انحرافی بود که سعی بر ترویج آنها داشت؛ بر همین اساس شاگردانی را پرورش داد و کتاب‌هایی را بر مبنای همین تفکرات تألیف کرد؛ از این رو، علمای بزرگ شافعی - یکی از مذاهب اربعه اهل سنت - با آشنایی با چنین جریان فکری منحرفی، وظیفه خود دانستند که علیه تفکرات او قیام کنند و از ترویج آنها جلوگیری نمایند تا اسلام را از این عقاید منحرف حفظ کنند و مسلمانان را آگاه سازند تا گرفتار چنین افکاری نشوند. این مقاله درصدد بیان گفتار برخی از فقیهان، مفسران و ادیبان مذهب شافعی درباره انحراف ابن تیمیه از مبانی اسلامی است.

انحراف ابن تیمیه

تقی‌الدین احمد بن عبدالحلیم بن تیمیه حُرّانی، معروف به ابن تیمیه (م ۷۲۸ق) در شهر حُرّان دمشق به دنیا آمد. پدرش یکی از مشایخ فقه حنبلی بود که فرزند او نیز به تأسی از پدر، پیرو فقه حنبلی شد. سپس به مدارس حنابلّه رفت و فقه حنبلی را آموخت و از آن جهت که پدرش از بزرگان بود، بعد از مرگ پدرش به کرسی تدریس نشست. بعد از مدتی، وی دیدگاه‌های جدید و تازه‌ای مطرح کرد که یکی از دیدگاه‌های وی در کتاب رساله حمویه، در زمینه تفسیر آیه «الرحمن علی العرش استوی»^۱ بود که برای خداوند به جسمیت و وجود مکان به صورتی که از کیفیت او خبری نیست، قائل شد.^۲ او سپس دیدگاه‌های دیگری درباره تحریم سفر برای زیارت پیامبر ﷺ،^۳ ردّ طلب شفاعت،^۱ توسل

۱. سورة طه، آیه ۵.

۲. ابن تیمیه می‌گوید آنچه در قرآن و سنت ثابت شده و اجماع پیشینیان بر آن بوده، حق است و اگر از این امر لازم آید که خداوند به جسم بودن متصف شود، اشکالی ندارد. او برای اینکه به تجسیم قائل نشود می‌گوید که ما از کیفیت صفات خداوند آگاه نیستیم. (ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، درء تعارض العقل و النقل، ج ۹، ص ۲۳).

۳. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، مجموع الفتاوی، ج ۲۷، ص ۱۹۶.

به پیامبر ﷺ،^۲ و برخی نظرهای دیگر ارائه داد که نشان از انحراف فکری و عقیدتی وی بود. از آنجا که ابن تیمیه ابتدائاً درصددِ مقابله با مذاهب اهل سنت برآمده بود، علمای اهل سنت از جمله علمای شافعی، جبهه‌گیری علیه او را آغاز کردند و به مقابله با او پرداختند. در ادامه، به برخی از این موارد اشاره خواهیم کرد.

موضع‌گیری علما در زمان حیات ابن تیمیه

زمانی که علمای هم‌عصر او با افکار وی آشنا شدند، از راه‌های مختلفی به ردّ عقاید و تضعیف شخصیت وی پرداختند. یکی از این راه‌ها، «مناظره با ابن تیمیه» بود و برخی افراد نیز در موضوعات مختلف به ردّ افکار ابن تیمیه اقدام کردند.

۱. مناظره با ابن تیمیه

«مناظره» همواره یکی از راه‌های جدلی برای اثبات یا ردّ نظریه‌هاست که علمای شافعی نیز در برخورد با ابن تیمیه به این راه نیز برای ابطال دیدگاه‌های ابن تیمیه تمسک جسته‌اند.

۱. صفی‌الدین هندی ارموی اشعری (م ۷۱۵ق): وی از علمای برجستهٔ مذهب

شافعی در زمینهٔ فقه و اصول و کلام است.

عبد الوهاب بن علی سبکی شافعی دربارهٔ مناظرهٔ این عالم با ابن تیمیه، چنین

می‌نویسد:

در مناظره‌ای که بین شیخ هندی، از علمای اهل سنت، با ابن تیمیه برقرار شد، شیخ هندی به همهٔ سؤالات پاسخ می‌داد و مسئله را خوب تقریر و بیان می‌کرد؛ اما زمانی که نوبت به ابن تیمیه می‌رسید، ابن تیمیه از پاسخ به سؤالات فرار می‌کرد و از این شاخه به آن شاخه می‌پرید؛ به‌طوری که شیخ هندی به او گفت: «تو مانند گنجشک هستی که هنگامی که می‌خواهم به دامش بیندازم، فرار می‌کند».^۳

۲. قاضی القضاة کمال‌الدین بن زملکانی شافعی (م ۷۲۷ق): او فقیه، قاضی، شاعر و

۱. همان، ج ۱، ص ۳۲۰.

۲. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، قاعدة جلیلة فی التوسل و الوسيلة، ص ۸۷ و ۸۸.

۳. سبکی، عبد الوهاب بن علی، طبقات الشافعية الکبری، ج ۹، ص ۱۶۳ و ۱۶۴.

ادیب مذهب شافعی بود. وی پس از شناخت افکارِ باطلِ ابن تیمیه، با نوشتن کتاب الدر المضيئة في الرد على ابن تیمیه و کتاب العمل المقبول في زیارة الرسول ﷺ، به ردّ عقایدِ ابن تیمیه پرداخته است.^۱

۳. ابن مُرَحَّل (م ۶۹۹ق): وی از فقیهان و شاعران مذهب شافعی بود. سبکی شافعی درباره او می گوید: «او با ابن تیمیه مناظرات خوبی داشت و به خاطر همین مناظرات بود که تبعیت کنندگانِ ابن تیمیه، علیه او تعصب ورزیدند».^۲

۲. تضعیف شخصیت ابن تیمیه

علاوه بر مناظره کنندگان و موضع گیریِ علما در موضوعات مختلف علیه ابن تیمیه، عده ای از علما نیز در زمان حیات ابن تیمیه شخصیت وی را مورد خدشه قرار داده و سعی بر تضعیف او داشتند که در ادامه، برخی از آنها ذکر می شود.

۱. علی بن اَسَمَح شافعی (م ۷۱۰ق): علاء الدین علی بن اسمح یعقوبی شافعی، معروف به علی مَنلا، از علمای شافعی بود که شدیداً به ابن تیمیه حمله، و او را تحقیر می کرد.^۳

۲. نورالدین علی بن یعقوب بکری شافعی (م ۷۲۴ق): وی از فقها، مفتیان و مناظره کنندگانِ زمان خود بود که ابن قاضی شبهه درباره او می گوید: «نورالدین بکری بسیار نهی از منکر می کرد و روزی به ابن تیمیه حمله کرد و به او دشنام می داد».^۴

۳. شمس الدین محمد بن احمد ذهبی (م ۷۴۸ق): او از شاگردانِ ابن تیمیه بود و به خاطرِ انحرافاتِ ابن تیمیه، او را نصیحت می کرد. متن زیر بخشی از نصایحِ وی به ابن تیمیه است:

تو احتجاج کننده ای هستی که زبانت اقرارکننده و پشیمان از یک مسئله نیست. تو به دستوراتی که پیامبر ﷺ آورده است، آگاه نیستی و به بسیاری از مسائل جاهل

۱. همان، ص ۱۹۰ و ۱۹۱، ش ۱۳۲۵.

۲. همان، ص ۲۵۳.

۳. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الدر الکامنة، ج ۳، ص ۲۹.

۴. همان، ج ۳، ص ۱۳۹ تا ۱۴۱.

هستی. پیامبر ﷺ از مسائلی که می‌گویی کراهت دارد و خُسران بر کسی که از تو پیروی کرده و به حمایت از تو پرداخته است.^۱

۴. صلاح‌الدین خلیل بن اَبیک صفدی شافعی (م ۷۶۴ق): وی از ادیبان، شاعران و مورخانِ عصرِ خود بود و دربارهٔ ابن تیمیه گفته است: «ابن تیمیه فردی است که به لغزش و نابودی مبتلا شده است».^۲

۵. عبدالعزیز بن محمد بن ابراهیم بن جماعه شافعی (م ۷۶۷ق): او از علمای فقهی و اصولی و لغویِ مذهب شافعی است و در توبیخِ ابن تیمیه می‌گوید: «خداوند ابن تیمیه را گمراه نمود و لباسِ ذلت بر او پوشانید و او را به کذب و تهمت مبتلا ساخت، که جز خفت و بی‌آبرویی چیزی برای او نداشت».^۳

۶. قاضی شافعی دمشقی: وی می‌گوید: «اگر ابن تیمیه به خاطر کفری که از او ثابت شده است کشته نشود، باید به او سخت گرفت». سپس دستور داد تا ابن تیمیه را به زندان بپندازند و گفت که هرکسی که به عقایدِ ابن تیمیه معتقد باشد، خون و مالش حلال است.^۴

موضع‌گیریِ علما بعد از حیاتِ ابن تیمیه

نه‌تنها در زمانِ حیاتِ ابن تیمیه، بلکه بعد از مرگِ ابن تیمیه نیز مبارزه علیه او ادامه داشت و علمای شافعی به موضع‌گیری علیه دیدگاه‌های او پرداختند. در ادامه، برخی از این موارد آورده می‌شود.

۱. اسعد بن علی بن سلیمان یافعی شافعی (م ۷۶۷ق): او از علمای فقه، تاریخ‌نگار و صوفی‌مسلک است که دربارهٔ ابن تیمیه می‌گوید: «ابن تیمیه دارای مسائل و افکار غریبه‌ای شد که به‌خاطرِ اینکه مباین با مذهب اهل سنت بود، به زندان افتاد و از قبیح‌ترین آن مسائل، نهی از زیارتِ قبرِ پیامبر اکرم ﷺ بود».^۵

۱. ذهبی، محمد بن احمد، بیان زغل العلم و الطلب، ص ۳۵ تا ۳۷.

۲. صفدی، خلیل بن اَبیک، أعيان العصر و أعوان النصر، ج ۱، ص ۱۴۱۸.

۳. سبحانی تبریزی، جعفر، بحوث في الملل و النحل، ج ۴، ص ۶۴؛ به نقل از: قضای عزامی شافعی، سلامه، فرقان القرآن، ص ۱۲۳.

۴. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الدرر الكامنة، ج ۱، ص ۱۴۷.

۵. یافعی، عقیف‌الدین، مرآة الجنان، ج ۴، ص ۲۴.

۲. **عبدالوهاب بن علی بن عبدالکافی سُبکی شافعی (م ۷۷۱ق):** سبکی از قضات مشهور، سخنور و قوی در دمشق بود و دربارهٔ ابن تیمیه و پیامدهای ناگوار پیروی از او می‌گوید: «ابن تیمیه به دوستانش (مزی، ذهبی و برزالی) ضررهایی زده و آنها را به پذیرش اموری واداشته که این امور صحیح نیستند و آنان را به حفرهٔ آتش انداخته است و دوری از این کارها بهتر است». او همچنین می‌نویسد: «کسی فریبِ ابن تیمیه بر انکار سنت بودنِ زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را نخورد؛ زیرا او فردی است که خداوند او را خوار کرده است».^۱

۳. **ابوعبدالله محمد بن عبدالله ابن بطوطه شافعی (م ۷۷۹ق):** او از تاریخ‌نگاران مذهب شافعی است و در کتابِ خود به نام تحفة النظر فی غرائب الأمصار و عجائب الأسفار، چنین می‌نویسد:

ابن تیمیه از بزرگان و فقهای حنبله بود که در هر علم و فنی نظر می‌داد و عقل کمی داشت. او می‌گفت: «خداوند به آسمان دنیا فرود می‌آید و آن گونه که من از منبر پایین آمدم، او هم می‌آید». در اینجا بود که ابوالزهر، از فقیهان مالکی، به مناقشه با او برخاست.^۲

۴. **احمد بن عمر بن عثمان خوارزمی دمشقی شافعی (م ۸۶۸ق):** او مردی عالم، صالح و دیندار بود که دربارهٔ ابن تیمیه می‌گوید: «اعتقاد من زیتون مبارکی^۳ است که نه غربی است مثل اعتقادات ابن عربی، و نه شرقی است مثل اعتقادات ابن تیمیه».^۴

۵. **نجم‌الدین عمر بن حجاجی بن احمد سعدی شافعی (م ۸۳۰ق):** او، که قاضی القضاة شافعی بود، در جوابِ سؤالی دربارهٔ ابن تیمیه می‌گوید: «ابن تیمیه در مسائل بسیاری از راه راست و روش محکم گمراه شده است».^۵

۶. **ابن حجر هیتمی شافعی (م ۹۷۴ق):** او در روزگار خویش از مرتبهٔ والایی برخوردار بود؛ چنان‌که در سرزمین حجاز، ائمهٔ وقت به او اقتدا می‌کردند. او را ناشرِ علوم

۱. مزی، یوسف بن عبدالرحمن، شرح حال مزی، ج ۱۰، ص ۴۰۰.

۲. ابن بطوطه، محمد بن عبدالله، تحفة النظر فی غرائب الأمصار و عجائب الأسفار، ج ۱، ص ۵۷ و ۵۸.

۳. کنایه از درست بودن اعتقاد.

۴. سخاوی، محمد بن عبدالرحمن، الضوء اللامع، ج ۲، ص ۵۴.

۵. حصنی، ابوبکر بن محمد، الفتاوی السهمیه، ص ۴۵.

امام شافعی نیز خوانده‌اند. وی درباره ابن تیمیه می‌گوید:

ابن تیمیه کسی است که خداوند او را ذلیل و گمراه و کور کرده است؛ به‌طوری که علما درباره کذب سخنان و فساد احوالات او تصریح کرده‌اند که کلامش هیچ ارزشی ندارد و باید دور انداخته شود. او فردی بدعت‌گذار، گمراه، گمراه‌کننده، جاهل و اهل غلو است.^۱

او همچنین می‌نویسد:

از نوشته‌های ابن تیمیه و شاگردش، ابن قیم، و غیر از این دو بهره‌زید؛ زیرا این مُلحدان از حد خود تجاوز کرده و از کسانی هستند که هوای نفس خویش را خدای خود قرار داده‌اند و به‌خاطر علمی که داشتند، خدا آنها را گمراه کرد و بر گوش و قلبشان مهر زد و حجابی بر چشمانشان پوشاند.^۲

وی بیان می‌کند: «کسی فریب ابن تیمیه بر انکار سنت بودن زیارت پیامبر ﷺ را نخورد. او فردی است که خداوند او را خوار کرده است».^۳

او در جای دیگر می‌گوید:

از جمله خرافات ابن تیمیه، که هیچ عالمی قبل از او به آن معتقد نشده و ابن تیمیه نیز به‌واسطه این اعتقاد در بین مسلمانان مورد سرزنش واقع شده، این است که او استغاثه و توسل به پیامبر ﷺ را انکار کرده است.^۴

او در رد ابن تیمیه درباره «تحریم سفر به قصد زیارت قبر پیامبر ﷺ» می‌گوید:

دلیل بر اینکه کلمه زیارت شامل سفر به قصد زیارت نیز می‌شود این است که کلمه «زیارت» مستلزم انتقال از مکان زائر به طرف مکان مزور است؛ مثل لفظ «مَجِئ» که در آیه کریمه بر آن تصریح شده است. حال اگر هر زیارتی باعث تقرب باشد، هر سفری به سوی زیارت نیز باعث تقرب خواهد بود. قاعده‌ای که همه بر آن اتفاق دارند این است که وسیله رسیدن به چیزی که باعث تقرب به خداست نیز موجب تقرب است.^۵

۷. عَفِيفُ الدِّينِ يَافَعِيُّ (م ۷۶۸ق): وی مؤرخ، صوفی و شاعر شافعی یمنی قرن هفتم

۱. ابن حجر هیتمی، احمد بن علی، الفتاوی الحدیثیة، ص ۱۴۴.

۲. همان، ص ۲۰۳.

۳. طحطاوی، احمد بن محمد، حاشیة الإيضاح، ص ۴۴۳.

۴. ابن حجر هیتمی، احمد بن علی، الجوهر المنظم، ص ۱۴۸.

۵. همان، ص ۲۳.

و هشتم است.

ابن قاضی شبهه درباره او می گوید: «او سخنی در مذمت ابن تیمیه دارد؛ لذا برخی از حنابله و دیگران که به ابن تیمیه تعصب دارند، به او حمله کرده اند».^۱

موضع گیری علمای معاصر

با گسترش هرچه زیاده تر افراطی ها و تکفیری ها با اثرپذیری از تفکرات ابن تیمیه در عصر معاصر، علمای معاصر شافعی نیز به مبارزه با عقاید و شخصیت ابن تیمیه پرداختند که در ادامه، نام برخی از آنها آورده می شود.

۱. **شیخ رضوان عدل بیبرس شافعی (م ۱۳۰۳ق):** وی، که از فقیهان مذهب شافعی است، می گوید: «عقاید ابن تیمیه عقاید سخیف و قبیحی است و پس از او نیز محمد بن عبدالوهاب در قرن دوازدهم ظاهر شد و آن را گسترش داد».^۲

۲. **شیخ سلامه قضای عزامی شافعی (م ۱۳۷۶ق):** علامه قضای در رد ابن تیمیه می نویسد: «ابن تیمیه از جاهل ترین محدثان و مدافعان تشبیه است که هیچ فهمی ندارد. او درباره امام الحرمین و غزالی می گوید: "کفر آنها از یهود و نصارا شدیدتر است"».^۳

۳. **نجم الدین محمد امین کردی شافعی (م ۱۴۰۰ق):** وی از علمای دانشگاه الأزهر بود و در مقدمه کتاب سلامه قضای بیان می دارد: «ابن تیمیه در قرن هشتم بدعت هایی به وجود آورد که از یهود بدتر بود؛ به همین خاطر، علمای اهل سنت و جماعت در مقابل وی قیام کردند تا از گسترش بدعت های او جلوگیری کنند».^۴

۴. **حسن بن علی سقاف شافعی:** وی از محدثان و نویسندگان اردنی و علمای ضدسلفی است که آثار بسیاری را در موضوعات متعدد، از جمله کلام و رد افکار سلفیان منتشر کرده است. او درباره برخورد تند ابن تیمیه با حضرت زهرا علیها السلام می گوید:

ابن تیمیه شخصی ناصبی و خبیث است که به جسمیت خداوند قائل شده و

۱. سبکی، عبدالوهاب بن علی، طبقات الشافعية الكبرى، ج ۳، ص ۱۲۸.

۲. سقاف، حسن بن علی، السلفية الوهابية، ص ۴۱.

۳. قضای عزامی شافعی، سلامه، فرقان القرآن، ص ۶۱.

۴. همان، ص ۲.

حضرت زهراء علیها السلام را در کتاب منهاج السنة النبویة مدح کرده است که هدف او از این کار، مذمت کردن حضرت زهرا علیها السلام و طعن زدن به ایشان است. (یعنی مطالبی را مطرح کرده که بیشتر طعن و مذمت آن حضرت به ذهن متبادر می شود تا مدح ایشان).^۱

۵. طارق بن محمد بن عبدالرحمن جباوی سعدی شافعی: او، که از علمای شهر صیدای لبنان است، چهار کتاب در ردّ ابن تیمیه تألیف کرده که یکی از آنها کتاب کشف المین فی شرح الحرائی لحديث ابن حصین است. او در مقدمه این کتاب می نویسد: «کتابی نوشته ام به نام کشف المین، که در آن، بهتان ها و دروغ های ابن تیمیه بر عقل و نقل را ذکر کرده ام».^۲

وی همچنین درباره ابن تیمیه می گوید: «از خداوند می خواهم که چشم بصیرت پیروانش را باز کند و آنان را از گمراهی و ضرر، به سوی حق هدایت نماید تا جایگاه این بدعت گذار را بشناسند؛ چرا که او کافر و خارج شده از دین است».^۳

موضع گیری علما علیه ابن تیمیه درباره برخی تفکرات وی

برخی علمای شافعی بودند که در موضوعات خاص، علیه ابن تیمیه موضع گرفتند و عقاید وی را نپذیرفتند. در ادامه، برخی از این موضع گیری ها بیان خواهد شد.

الف. در باب زیارت قبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سفر برای آن (شدّ رحال)

علاوه بر مناظره و ردّ شخصیت ابن تیمیه، علمای شافعی در بحث زیارت قبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز علیه او موضع گرفته اند که برخی از آنها در ادامه آورده می شود.

۱. تقی الدین سبکی (م ۷۵۶ق): او از علما و قضات مذهب شافعی است که کتاب های زیادی علیه ابن تیمیه نوشته و مشهورترین آنها کتاب شفاء السقام فی زیارة خیر الأنام صلی الله علیه و آله است. او در باب زیارت قبر نبی اکرم صلی الله علیه و آله در جواب ابن تیمیه، که سفر زیارتی به قصد تبرک و بزرگداشت را حرام می داند، می گوید:

۱. سقاف، حسن بن علی، مجموع رسائل السقاف، ج ۲، ص ۷۳۷.

۲. سعدی، طارق، کشف المین، مقدمه کتاب.

۳. همان، خاتمه کتاب.

ابن تیمیه سفر به قصد زیارت قبر پیامبر اکرم ﷺ را ممنوع اعلام کرده؛ در حالی که اگر کسی به ربوبیت پیامبر ﷺ قائل نباشد، زیارت قبر ایشان کار صحیحی خواهد بود و این امتناع از زیارت، از تخیلات ابن تیمیه است؛ چراکه این امر در قرآن و سنت و فعل صحابه ثابت شده است.^۱

۲. زین الدین عراقی (م ۸۰۶ق): وی از محدثان و فقهای قرن هشتم است که در دارالحديث‌های زیادی تدریس کرده است. او در کتاب طرح التثريب في شرح التقریب در برابر فتوای ابن تیمیه این چنین موضع می‌گیرد:

ابن تیمیه درباره رفتن به زیارت قبر پیامبر اکرم ﷺ می‌گوید: «بارستن برای این سفر نه تنها قربی ندارد، بلکه باعث دوری از قرب خداوند می‌شود». این سخنان ابن تیمیه از عجایب و کلامی ناپسند است. چنین سخنانی باعث شد که با واکنش تقی الدین سبکی روبه‌رو شود و وی کتاب شفاء السقام في زیارة خير الأنام ﷺ را در رد او بنویسد.^۲

۳. حصنی دمشقی (م ۸۲۹ق): وی از علمای شافعی است و از وی کتاب‌های بسیاری همچون کتاب شرح صحیح مسلم، کتاب المهمات، و کتاب قواعد الفقه به جای مانده است. یکی از مهم‌ترین کتاب‌های وی کتاب دَفْعُ شُبُهَةٍ مِنْ شُبُهَةٍ وَ تَمَرُّدُ، در رد افکار ابن تیمیه است. وی در این کتاب، دیدگاه‌های ابن تیمیه از جمله شد رحال (سفر به قصد زیارت) را نقد می‌کند و چنین می‌نویسد:

در آخر الزمان، ابن تیمیه بدعت‌گذار و کافر ظاهر شد و سفر برای زیارت قبر پیامبر اکرم ﷺ را منع کرد؛ در حالی که امت محمد ﷺ همواره به این سنت پسندیده پایبند بودند و در طول دوران، به زیارت آن حضرت می‌رفتند. این سخنان ابن تیمیه باعث گمراهی و خارج شدن وی از صراط مستقیم شده است.^۳

۴. ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ق): او، که از علمای بزرگ حدیث و فقه شافعی و مؤرخ و کتابدار مذهب شافعی بود، در کتاب فتح الباری في شرح صحیح البخاري در زمینه جواب علمای شافعی درباره حدیث شد رحال (سفر به قصد زیارت) می‌گوید:

۱. سبکی، علی بن عبد الکافی، شفاء السقام في زیارة خير الأنام ﷺ، ص ۳۲۳.

۲. عراقی، عبد الرحیم بن حسین، طرح التثريب في شرح التقریب، ج ۶، ص ۴۳.

۳. حصنی، ابوبکر بن محمد، دفع شُبُهَةٍ مِنْ شُبُهَةٍ وَ تَمَرُّدُ، ص ۹۵.

شافعی‌ها و امام‌الحرمین حدیث شدّ رجال^۱ را، که ابن تیمیه آن را دلیل بر منع و حرمت زیارت پیامبر اکرم ﷺ می‌داند، رد کرده‌اند و این حدیث را دلیل بر فضیلت مساجد سه‌گانه نسبت به دیگر مساجد می‌دانند؛ نه اینکه منعی برای زیارت قبر نبی مکرم ﷺ باشد. مؤید این حرف نیز روایت احمد است که ظهور در غیر تحریم دارد.^۲

۵. شهاب‌الدین احمد بن محمد قسطلانی (م ۹۲۳ق): قسطلانی درباره رویکرد

ابن تیمیه در مسئله زیارت قبر پیامبر اکرم ﷺ چنین می‌گوید:

ابن تیمیه درباره زیارت قبر پیامبر اکرم ﷺ سخن زشت و عجیبی دارد مبنی بر اینکه سفر برای زیارت قبر پیامبر اکرم ﷺ هیچ ارزش و قربی ندارد؛ لذا شیخ تقی‌الدین سبکی در کتاب شفاء السقام، آن را رد کرده و دل‌های مؤمنان را شفا داده است.^۳

۶. یوسف بن اسماعیل نیهانی شافعی (م ۱۳۵۰ق): او فردی عالم، فقیه، شاعر و

ادیب است که درباره ابن تیمیه چنین می‌گوید:

ابن تیمیه باعث ضرر و گمراهی مسلمانان شده است؛ چراکه او زیارت پیامبر اکرم ﷺ و استغاثه به ایشان را منع کرده و آن را حرام دانسته است؛ در حالی که گمان نمی‌کردم هیچ مسلمانی جرئت بیان چنین حرف‌هایی را داشته باشد. چندین ماه در ذکر عبارات آنها تفکر می‌کردم و جرئت نقل آنها را نداشتم؛ چون می‌ترسیدم سبب نشر انحرافات آنها شوم.^۴

۷. تقی‌الدین ابوبکر بن محمد حسینی حصنی شافعی (م ۸۲۹ق): او درباره ابن تیمیه

می‌گوید:

هیچ‌یک از مخلوقات خداوند به اندازه پیامبر اکرم ﷺ بر گردن ما حق ندارد و آثاری که در زیارت قبر پیامبر ﷺ وجود دارد، درباره فرد دیگری وجود ندارد؛ همان گونه که «مسجد الحرام» مسجدی است که هیچ مسجدی ارزش و فضیلت

۱. «لَا تُشَدُّ الرِّجَالُ إِلَّا إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ: الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ مَسْجِدِي هَذَا وَ الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى»؛ (بار سفر بسته نمی‌شود مگر به قصد سه مسجد: مسجد الحرام، مسجد من و مسجد الاقصی).

۲. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری شرح صحیح البخاری، ج ۳، ص ۸۵.

۳. قسطلانی، احمد بن محمد، المواهب اللدنیة بالمنح المحمدیة، ج ۴، ص ۵۷.

۴. نیهانی، یوسف بن اسماعیل، شواهد الحق فی الاستغاثة بسید الخلق ﷺ، ص ۶۲.

آن را ندارد.^۱

۸. محمود سعید ممدوح شافعی (معاصر): او از علمای محدث اهل سنت است و

در باره تضعیف ابن تیمیه، در مسئله روایات زیارت قبر پیامبر ﷺ می نویسد:
از خطاها و دشمنی های ابن تیمیه این است که احادیث زیارت قبر پیامبر اکرم ﷺ را تضعیف کرده و دیدگاه های منحرفی در این باره ارائه داده است. من کتابی نوشته ام و در آن، احادیثی را آورده ام که ابن تیمیه آنها را انکار کرده است. از نظر سندی، همه این احادیث، صحیح هستند.^۲

ب. در باب توسل و استغاثه

همان طور که علما در بحث زیارت قبر پیامبر اکرم ﷺ به مبارزه علیه ابن تیمیه پرداختند، عده ای در بحث توسل نیز همین راه را در پیش گرفته و دیدگاه هایی ارائه داده اند که در ادامه آورده می شود.

۱. تقی الدین ابوبکر بن محمد حسینی حصینی شافعی (م ۸۲۹ق): او درباره ابن تیمیه

می گوید:

هیچ کس از اهل ادیان، جز ابن تیمیه، توسل و استغاثه را منع نکرده بود تا اینکه او آمد و سخنانی برخلاف عقل و دستورات اسلام مطرح کرد و بدعتی در دنیای اسلام بنا نهاد؛ چراکه توسل و استغاثه جایز و نیکو بوده است.^۳

۲. تقی الدین سبکی شافعی (م ۷۵۶ق): وی درباره ابن تیمیه می گوید:

توسل و استغاثه به نبی مکرم اسلام ﷺ و طلب شفاعت از ایشان، از اموری است که خداوند متعال آنها را نیکو شمرده و به جواز آنها حکم کرده و از سیره انبیا، سلف صالح، علما و عوام مسلمانان بوده است؛ تا اینکه ابن تیمیه آمد و سخنانی مطرح کرد و بر کسانی که عقل های ضعیفی داشتند، امر را مشتبه نمود. وی بدعتی گذاشت که در هیچ زمانی چنین بدعتی نبوده است.^۴

۳. احمد بن زینی دحلان (م ۱۳۰۴ق): او، که امام الحرمین و مفتی و فقیه شافعی در

۱. سبکی، علی بن عبدالکافی، شفاء السقام فی زیارة خیر الانام ﷺ، ص ۸۷.

۲. ممدوح، محمود سعید، رفع المنارة لتخریج احادیث التوسل و الزیارة، ص ۲۰ و ۲۱.

۳. سبکی، علی بن عبدالکافی، شفاء السقام فی زیارة خیر الانام ﷺ، ص ۱۵۳.

۴. همان، ص ۱۷۱.

اواخر دولت عثمانی بود، در کتاب فتنة الوهابية، در ردّ ابن تیمیه، دلیل بر جواز توسل را این گونه بیان می کند:

توسل و دیگر کارهایی که مؤمنان انجام می دهند، منعی ندارند؛ زیرا اگر شرک بودند، هرگز پیامبر ﷺ، اصحاب، گذشتگان و مسلمانانی که بعداً آمده اند، آن را انجام نمی دادند. در روایتی معتبر آمده است که یکی از دعا‌های پیامبر ﷺ این بود: «اللهم إني أَسْئَلُكَ بِحَقِّ السَّائِلِينَ عَلَيْكَ»؛ (خدایا، از تو درخواست می کنم به حقّ درخواست کنندگان از تو). هیچ تردیدی نیست که این دعا یک توسل است و پیامبر ﷺ این دعا را به اصحاب خود یاد می دادند و آنان را به انجام آن سفارش می فرمودند.^۱

۴. سمهودی (م ۹۱۱ق): وی از علمای بزرگ مذهب شافعی است که در بیان جواز استغاثه به پیامبر اکرم ﷺ و طلب شفاعت از ایشان و همچنین در ردّ فتوای ابن تیمیه می گوید:

استغاثه به پیامبر ﷺ و طلب شفاعت از ایشان و (توسل) به جاه و برکت، از کارهای انبیا و مرسلان است و از سیره سلف این است که قبل از خلقت، در زمان حیات، بعد از مرگ و در روز قیامت انجام می گیرد.^۲

۵. محمد زکی ابراهیم (معاصر): او از علمای بزرگ مصر است که در کتاب الإِفْهَام و الإِفْحَام در تقابل با ابن تیمیه در مسئله توسل، این گونه بیان می دارد: «اختلاف در "توسل به میت صالح" است و هیچ یک از علمای سلف تا قرن هفتم در جواز آن اختلاف نکرده اند؛ تا اینکه ابن تیمیه فتنه گر این اختلاف را بدعت گذاشت».^۳

کتاب‌های نوشته شده علیه ابن تیمیه

یکی از روش‌های موضع گیری علمای شافعی علیه ابن تیمیه، نوشتن کتاب است که نام برخی از آنها در ادامه آمده است:

۱. الدر المضيئة في الرد على ابن تیمیه، نوشته تقی الدین علی بن عبدالکافی سبکی

۱. دحلان، احمد زینی، فتنة الوهابية، ج ۱، ص ۶.

۲. سمهودی، علی بن عبدالله، وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفى ﷺ، ج ۴، ص ۱۹۳.

۳. سمهودی، علی بن عبدالله، الإِفْهَام و الإِفْحَام، ص ۹.

شافعی؛

۲. خیر الحجة في الرد على ابن تیمیة، نوشته شهاب‌الدین احمد بن حسین بن جبریل

شافعی؛

۳. الدر المضية في الرد على ابن تیمیة، نوشته ابن زملکانی شافعی؛

۴. دفع شبه من شبه و تمرّد و نسب ذلك إلى أحمد، نوشته تقی‌الدین ابوبکر حصنی

دمشقی شافعی؛

۵. المقالات السنية في كشف ضلالات ابن تیمیة، نوشته شیخ عبدالله بن محمد بن

یوسف هروی؛

۶. البشارة و الإتحاف بما بين ابن تیمیة و الألباني في العقيدة من الاختلاف، نوشته

حسن بن علی سقاف شافعی.

نتیجه

موضع‌گیری‌های علمای شافعی علیه ابن تیمیه و ردّ دیدگاه‌های او از زمان حیات وی تاکنون، این مطلب را می‌رساند که علمای شافعی تفکرات و اندیشه‌های ابن تیمیه را نپذیرفته‌اند؛ زیرا دیدگاه‌های او برخلاف مبانی اسلامی است و باعث گمراهی وی شده و باید از گسترش عقاید وی در بین مسلمانان جلوگیری شود تا مبدا کسی دچار انحراف شود.

کتابنامہ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن بطوطہ، محمد بن عبد اللہ، تحفة النظر في غرائب الأمصار و عجائب الأسفار، مصر: المكتبة التجارية الكبرى، ۱۳۷۷ق.
۳. ابن تیمیہ، احمد بن عبد الحلیم، درء تعارض العقل و النقل، تحقیق: محمد رشاد سالم، عربستان: جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية، چاپ دوم، ۱۴۱۱ق.
۴. ابن تیمیہ، احمد بن عبد الحلیم، قاعدة جلیلة في التوسل و الوسيلة، تحقیق: ربیع بن هادی عمیر مدخلی، عجمان: مكتبة الفرقان، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۵. ابن تیمیہ، احمد بن عبد الحلیم، مجموع الفتاوى، تحقیق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم، مدینہ: مجمع الملك فهد، ۱۴۱۶ق.
۶. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الدرر الكامنة؛ في أعيان المائة الثامنة، هند: مجلس دائرة المعارف العثمانية، ۱۳۹۲ق.
۷. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباري شرح صحيح البخاري، بیروت: دار المعرفة، ۱۳۷۹ق.
۸. ابن حجر ہیتمی، احمد بن علی، الجوهر المنظم، قاہرہ: دار جوامع کلم، بی تا.
۹. ابن حجر ہیتمی، احمد بن علی، الفتاوى الحديثية، قاہرہ: دار الفكر، ۱۴۱۲ق.
۱۰. حصنی، ابوبکر بن محمد، الفتاوى السهمية، بی جا: بی نا، بی تا.
۱۱. حصنی، ابوبکر بن محمد، دفع شبه من شبه و تمرد؛ و نسب ذلك إلى الإمام أحمد، قاہرہ: المكتبة الأزهرية، بی تا.
۱۲. دحلان، احمد زینی، فتنة الوهابية، بی جا: بی نا، بی تا.
۱۳. ذہبی، محمد بن احمد، بیان زغل العلم و الطلب، آدرس: www.sonnat.net
۱۴. سبحانی تبریزی، جعفر، بحوث في الملل و النحل، قم: مؤسسة النشر الإسلامي، بی تا.
۱۵. سبکی، عبد الوہاب بن علی، طبقات الشافعية الكبرى، بی جا: ہجر، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
۱۶. سبکی، علی بن عبد الکافی، شفاء السقام في زيارة خير الأنام ﷺ، تحقیق: سید محمدرضا حسینی جلالی، بی جا: بی نا، چاپ چہارم، ۱۴۱۹ق.
۱۷. سخاوی، محمد بن عبد الرحمن، الضوء الالامع؛ لأهل القرن التاسع، بیروت: دار الجیل، بی تا.
۱۸. سعدی، طارق، كشف المین، بیروت: مكتب دار الجنید، چاپ اول، بی تا.
۱۹. سقاف، حسن بن علی، السلفية الوهابية، آدرس: www.sonnat.net

٢٠. سقاف، حسن بن علي، **مجموع رسائل السقاف**، أدرس: www.sonnat.net
٢١. سمهودي، علي بن عبدالله، **وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفى ﷺ**، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ١٤١٩ق.
٢٢. سمهودي، علي بن عبدالله، **الإفهام والإفحام**، بی جا: بی نا، بی تا.
٢٣. صفدي، خليل بن أيّك، **أعيان العصر وأعيان النصر**، بی جا: بی نا، ١٣٧٨ق.
٢٤. طحطاوي، احمد بن محمد، **حاشية الإيضاح**، بيروت: دار الكتب العلمية، بی تا.
٢٥. عراقى، عبدالرحيم بن حسين، **طرح التثريب في شرح التقريب**، بی جا: دار إحياء التراث العربي، بی تا.
٢٦. قسطلاني، احمد بن محمد، **المواهب اللدنية بالمنح المحمدية**، قاهره: المكتبة التوفيقية، بی تا.
٢٧. قضاى عزامى شافعى، سلامه، **فرقان القرآن؛ بين صفات الخالق و صفات الأكوان**، بيروت: دار إحياء التراث العربي، بی تا.
٢٨. مزى، يوسف بن عبدالرحمن، **شرح حال مزى**، أدرس: www.sonnat.net
٢٩. ممدوح، محمود سعيد، **رفع المنارة لتخريج أحاديث التوسل و الزيارة**، بی جا: بی نا، بی تا.
٣٠. نيهانى، يوسف بن اسماعيل، **شواهد الحق في الإستغاثة بسيد الخلق ﷺ**، مصر: المكتبة التوفيقية، بی تا.
٣١. يافعى، عفيف الدين، **مرآة الجنان؛ و عبرة اليقظان في معرفة ما يعتبر من حوادث الزمان**، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ١٤١٧ق.